

نقش تعاملات زناشویی والدین و آموزش های آنان در زمینه ازدواج در پیش بینی نگرش فرزندان به ازدواج

شهره روشنی^۱

چکیده

نگرش به ازدواج از پیش بینی کننده های مهم رضایت پس از ازدواج است و مطالعه آن می تواند در درک زمینه ها و علل تأخیر از ازدواج مؤثر باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش تعاملات زناشویی والدین و آموزش های آنان در زمینه ازدواج در پیش بینی نگرش فرزندان به ازدواج به روش غیرآزمایشی از نوع همبستگی انجام شد. جامعه آماری شامل دختران و پسران مجرد ساکن شهر تهران بود که از بین آنان ۳۸۴ نفر به روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای انتخاب شدند. داده ها با استفاده از پرسش نامه استاندارد نگرش به ازدواج، و پرسش نامه های محقق ساخته سنجش آموزش های والدین در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی و سنجش رفتارهای والدین در تعاملات زناشویی گردآوری و با آزمون رگرسیون خطی چندمتغیره تحلیل شد. براساس نتایج از بین متغیرهای آموزش های پدر و مادر در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی و رفتارهای پدر و مادر در تعاملات زناشویی، فقط رفتارهای مادر در تعاملات زناشویی بر نگرش فرزند نسبت به ازدواج مؤثر است و افزایش مطلوبیت رفتارهای مادر، موجب نگرش مثبت تر فرزند به ازدواج می شود. براین اساس، با آگاهی بخشی به والدین و به ویژه مادران درباره نقش تأثیرگذار آنان در نگرش و عملکرد فرزندان در زندگی خانوادگی آینده و ارائه آموزش های لازم، می توان نقش آفرینی خانواده در ازدواج موفق فرزندان را تقویت نمود.

واژگان کلیدی: ازدواج فرزندان، نگرش فرزندان به ازدواج، تعاملات زناشویی

والدین، آموزش.

The Role of Parents' Marital Interactions and Their Marriage-Related Education in the Prediction of Children's Attitude to Marriage

Shohreh Roshani ¹

The attitude to marriage is one of the most important predictors of satisfaction after marriage and studying it can clarify the contexts and causes of marriage delay. This research aimed to investigate the role of parents' marital interactions and their marriage-related education in the prediction of children's attitude to marriage with a non-experimental correlation method. The population included single girls and boys in the city of Tehran and 384 people were selected by the multistage sampling. The data were gathered by the standard questionnaire of attitude to marriage, and the researcher-made questionnaires of assessment of parent's marriage-related education and assessment of their marital interactions. They were analyzed by the multivariate linear regression test. According to the results, among the variables, just mothers' marital interactions influence children's attitude to marriage and the increase in its desirability leads to a better children's attitude to marriage. Therefore, by informing the parents, especially the mothers, about their effective role in children's attitude and performance in the future family life, and by providing necessary education, the family role in children's successful marriage can be increased.

Keywords: m: children's marriage, children's attitude to marriage, parent's marital interactions, education.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

Paper Type: Research

Data Received: 2021/ 03 / 29 **Data Revised:** 2021 / 05 / 31 **Data Accepted:** 2021/ 06 / 07

1. Assistant Professor of Women's Studies, Faculty Member of Institute of Women's Studies, Alzahra University, Tehran, Iran.

Email: sh.rowshani@alzahra.ac.ir

۱. مقدمه

ازدواج از نظر اسلام امری پسندیده، مورد تأکید و عامل تکامل انسان است که در سایه آن، هر یک از زن و مرد به به جایگاه واقعی خود دست می‌یابند و زمینه تجلی و رشد ارزش‌های انسانی، فراهم می‌شود. در قرآن کریم از خانواده با عناوین مختلفی مثل آیه‌ای از آیات خداوند (ر.ک.، روم: ۲۱)، پیوند محکم (ر.ک.، نساء: ۲۱)، سبب نجات از فقر و برخورداری از فضل خداوند (ر.ک.، نور: ۳۲)، عامل تکثیر نسل (ر.ک.، شوری: ۱۱) و سنت پیامبران الهی (ر.ک.، رعد: ۳۸) یاد شده است. معصومین علیهم‌السلام ضمن ارج نهادن به جایگاه خانواده و تأکید بر تشکیل آن، در بیان اهمیت این بنای مقدس از تعابیر گوناگونی استفاده کرده‌اند و ازدواج را محبوب‌ترین بنا نزد خداوند (ر.ک.، نوری طبرسی، ۱۴۰۸ ه.ق، ۵۳۱/۲)، بالاترین نعمت پس از اسلام (ر.ک.، حر عاملی، ۱۳۶۷، ۳۸۹/۳)، کامل‌کننده دین (ر.ک.، مجلسی، ۱۴۰۴ ه.ق، ۲۱۹/۱۰۳)، گشاینده درهای رحمت الهی (ر.ک.، مجلسی، ۱۴۰۴ ه.ق، ۲۲۱/۱۰۰) و عامل ارزش یافتن عبادات (ر.ک.، کلینی، ۱۳۶۷، ۳۲۹/۵) بیان فرموده‌اند (بوجاری و برجم، ۱۳۹۲). اهمیت ازدواج در اسلام به اندازه‌ای است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یکی از حقوق فرزند بر پدر را به ازدواج در آوردن فرزند به وقت بلوغ او بیان فرموده است (ر.ک.، حر عاملی، ۱۳۶۷، ۴۸۲/۲۱). که به معنای آن است که شرایط و زمینه‌های مادی و معنوی ازدواج را در حد امکان فراهم کند. به طور معمول، حمایت مالی از فرزندان بر عهده پدر است، اما در سایر زمینه‌ها از جمله حمایت در زمینه ازدواج و تشکیل خانواده، مسئولیت‌هایی برای مادران نیز مقرر شده است. قرآن کریم در آیه ۳۲ سوره نور در خطاب عمومی می‌فرماید: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ»؛ براساس این آیه مسئولیتی اجتماعی برای پدران، مادران، بستگان و حتی دیگر افراد و نهادهای اثرگذار برای فراهم نمودن شرایط و امکانات ازدواج افراد بی‌همسر استنباط می‌شود (دهقان نژاد و بستان، ۱۳۹۶). بنابراین، ایجاد نگرش مثبت نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده از ضرورت‌های اولیه و بسیار مهم برای فراهم کردن زمینه ازدواج است. روان‌شناسان اجتماعی تعاریف گوناگونی از نگرش ارائه نموده‌اند؛ نگرش مجموعه‌ای از شناخت‌ها، باورها، عقاید و دانسته‌هاست که دربردارنده ارزشیابی‌های مثبت و منفی (احساسات) است که همگی به موضوعی مرکزی مرتبط هستند یا آن را توصیف می‌کنند و این احساسات و دانسته‌ها موجب ایجاد رفتارهایی معین می‌شوند (کریمی، ۱۳۹۶). نگرش

با تحت تأثیر قرار دادن نحوه تفکر و پردازش اطلاعات، به عنوان طرح ذهنی عمل نموده و با سازماندهی و نگهداری چارچوب‌های شناختی اطلاعات در مورد مفاهیم، موقعیت‌ها و حوادث، بر فرایند رفتار اثر می‌گذارد (سالاری فر، آذربایجانی، موسوی اصل، کاویانی، تیبیک و عباسی، ۱۳۹۸). نگرش، ساخت ذهنی پنهان در شخصیت هر فرد است. به عبارتی می‌توان نگرش را آمادگی فرد از لحاظ روانی در مواجهه با پدیده‌ها، مسائل و وقایع و بروز واکنش همراه با هیجان نسبت به رویدادها دانست. نگرش‌های افراد از گذشته آنان و تجربیات مختلف زندگی نشأت می‌گیرد (موسوی، ۱۳۹۲). نگرش به ازدواج نیز دورنمای ادراک، احساس و شیوه رفتار در این امر است؛ به طوری که تصویری که در ذهن فرد از ازدواج نقش می‌بندد تعیین‌کننده تصمیم‌گیری، کنش‌ها و عملکردهای اوست. اگر در گذشته ازدواج امری غیرشخصی و گاه تنظیم شده بود، به طوری که فرد در تصمیم‌گیری نقش چندانی نداشت، اما اکنون در دوران مدرن ازدواج امری فردی است؛ به طوری که فرد خود تصمیم‌گیرنده اصلی قلمداد می‌شود (چارلس، دیویس و هریس، ۲۰۰۸).

مطالعه نگرش به ازدواج به چند دلیل اهمیت دارد. براساس پژوهش‌های مختلف نگرش و تصمیم‌گیری در مورد ازدواج به عنوان یک رابطه طولانی مدت، مهم است؛ زیرا می‌تواند عواقبی برای شادی، رضایت از زندگی، سلامتی و بهزیستی روان شناختی فرد داشته باشد (هیپن^۱، ۲۰۱۶). علاوه بر این، نگرش یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های رفتار است. تمرکز بر ارتباط بین نگرش و رفتار در یک خط سیر طولانی نظریه پرداز از کنش متقابل نمادین از طریق نظریه رفتار برنامه ریزی شده آغاز شده و تا تلاش برای برقراری پیوند بین احساسات شخصی با تصمیمات زناشویی گسترش می‌یابد. همچنین این نگرش‌ها به مثابه نمونه‌ای از درونی‌سازی ادراکات فرهنگی، شواهدی از نظریه‌های مبتنی بر فرهنگ است که مباحث معاصر در زمینه تغییر ارزش‌های خانواده را برمی‌انگیزند (تریس، لوی و گوبرنسکایا، ۲۰۱۴). فراتر از کمک به درک ارتباط مهم رفتار آینده و نگرش کنونی، مطالعه عقاید و نگرش‌های زناشویی همچنین می‌تواند در درک زمینه‌ها و علل تأخیر ازدواج مؤثر باشد (هیموویتز، کارول، ویلکاکس و کای، ۲۰۱۳).

1. Charles, N., Davies, C., & Harris, C. C.
2. Hippen, K. A.
3. Treas, J., Lui, J., & Gubernskaya, Z.
4. Hymowitz, K., Carroll, J. S., Wilcox, W. B., & Kaye, K.

متخصصان معتقدند هرچه در سنین بزرگسالی ازدواج به تأخیر انداخته شود، نگرش‌ها به ازدواج، به چیزی غیر از رشد و بلوغ تشکیل خانواده تبدیل می‌شود (ویلوبی و دورکین، ۲۰۰۹). طی دو دهه اخیر نگرش منفی به ازدواج افزایش یافته است (دکونینک، ون دورن و متهایس، ۲۰۲۱) و تحقیقات ادهیکاری^۳ (۲۰۱۷) نشان می‌دهد در سال‌های اخیر نگرش به ازدواج تغییر کرده است. هنجارهای سنتی در مورد ازدواج و فرزندآوری در کشورهای پیشرفته در حال تخریب است. در این کشورها تحصیلات، فرصت‌های شغلی، نفوذ فرهنگی خارجی، رونق اینترنت و انقلاب موبایل به تغییر نگرش در بسیاری از پدیده‌ها و ساختارهای اجتماعی از جمله ازدواج کمک کرده است. محققان در ریشه‌یابی بیشتر مسائل و مشکلات خانواده به نگرش‌های ناصحیح در ازدواج اشاره دارند؛ آنان معتقدند این نگرش‌ها و احساسات در تصمیم‌گیری برای ازدواج، زمان ازدواج، انتظارات و رفتارهای زناشویی نقش بسیار مهمی دارد (خجسته‌مهر، محمدی و عباس‌پور، ۱۳۹۶). نگرش منفی به ازدواج پدیده افزایش سن ازدواج و یا تجرد قطعی را رقم می‌زند که منجر به اختلال در کارکرد خانواده شده و نابسامانی‌هایی همچون شیوع انواع فسادهای اجتماعی و بحران روابط جنسی را در پی دارد (نیک‌خواه، فانی و اصغری‌پور ماسوله، ۱۳۹۶).

مقایسه میزان ازدواج در ایران در سال‌های اخیر کاهش نرخ ازدواج را نشان می‌دهد؛ به طوری که در سال ۱۳۹۰ تعداد ازدواج در کشور ۸۷۴۷۹۲ مورد ثبت شده است؛ در حالی که در سال ۱۳۹۵، این رقم به ۷۰۴۷۱۶ و در سال ۱۳۹۷ به ۵۵۰۵۶۵ مورد کاهش یافته است. همچنین میانگین سن ازدواج قابل تأمل است. براساس آمار رسمی کشور میانگین سن ازدواج مردان و زنان به ترتیب در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ عبارتند از: ۲۶/۲ (مردان)، ۲۲/۵ (زنان)؛ ۲۶/۵ (مردان)، ۲۳/۳ (زنان)؛ ۲۷/۱ (مردان)، ۲۳/۶ (زنان)؛ ۲۷/۸ (مردان)، ۲۳/۴ (زنان). براین اساس، میانگین سن مردان در اولین ازدواج در طول ۲۰ سال (۱۳۷۵-۱۳۹۵) در حال افزایش بوده است. میانگین سن زنان در اولین ازدواج بین سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ افزایش را نشان داده است و در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ قدری کاهش یافته است (سایت سازمان ثبت احوال کشور). محققان نشان داده‌اند که در دوران اخیر

1. Willoughby, B. J., & Dworkin, J.
2. De Coninck, D., Van Doren, S., & Matthijs, K.
3. Adhikari, P.

نگرش به ازدواج منفی شده است (خجسته مهر، و همکاران، ۱۳۹۶) و نگرش منفی نسبت به ازدواج، کاهش میزان موالید، تأخیر در ازدواج و افزایش نرخ طلاق را در پی دارد (مور، ۲۰۲۰). نگرش امری اکتسابی است و به تدریج به وجود می آید؛ زیرا تجربه و آموزش در آن مؤثر است و چون نظامی برخوردار از ابعاد مختلف و هماهنگ است، سازه ای نسبتاً پایدار بوده و تغییر آن ساده نیست (سالاری فر، و همکاران، ۱۳۹۸). در همین رابطه محققان معتقدند که نگرش به ازدواج در مراحل اولیه زندگی شکل می گیرد و سازه ای نسبتاً پایدار است (نیازی، شاطریان و شفائی مقدم، ۱۳۹۴). والدین وظیفه پرورش کودک و اجتماعی کردن او طی مراحل مختلف را بر عهده دارند. فرزندان از دوران کودکی تا جوانی بیشترین زمان را با خانواده سپری نموده و نزدیک ترین روابط را با خانواده دارند، به همین دلیل خانواده مهمترین عامل رشد و تحول فرزندان در ابعاد گوناگون جسمی، عاطفی، شناختی و رفتاری است (سالاری فر، ۱۳۹۷). به نظر می رسد چون خانواده بیشترین ارتباط را با فرد دارد، می تواند از مهمترین تأثیرگذاران بر نگرش افراد نسبت به ازدواج باشد.

افراد نگرش ها، ارزش ها و کنش های مناسب به عنوان عضوی از یک فرهنگ خاص را طی فرایند جامعه پذیری می آموزند (بستان، ۱۳۹۶). جامعه پذیری فرایندی است که از طریق آن فرد دانش و مهارت های لازم را برای مشارکت مؤثر و فعال در زندگی اجتماعی کسب نموده و رفتارهای شخصی اش را توأم با ارزش ها و نگرش ها آموخته و آنها را در طول زندگی توسعه می دهد. مجموعه این ارزش ها، هنجارها، نگرش ها، دانش ها و مهارت ها، به فرد توانایی برقراری ارتباط با گروه ها و افراد مختلف جامعه و نیز پاسخ گویی مطلوب به انتظارات نقش های واگذار شده به او را می دهد. عمل جامعه پذیری به سه شیوه تقلید، تلقین و آموزش صورت می پذیرد. مکانیسم آموزش، یاد دادن، معرفی کردن و تکرار کردن یک موضوع است. آموزش، پایدارترین روشی است که اگر به صورت کارشناسی و با توجه به مقتضیات سنی افراد جامعه پذیر و امکانات آنان اجرا شود، عمل، هنجار یا ارزش مد نظر آموزنده در مخاطب درونی و نهادینه می شود (منادی، ۱۳۸۷). خانواده از مهمترین منابع جامعه پذیری است و جامعه پذیری از طریق آموزش در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی

می‌تواند در شکل‌گیری نگرش فرزندان به ازدواج مؤثر باشد.

مشاهده یا الگوبرداری، از دیگر شیوه‌های آموختن نگرش‌ها است. (سالاری فر... و همکاران، ۱۳۹۸) انسان‌ها با مشاهده دیگران، دانش، قواعد، مهارت‌ها، استراتژی‌ها، عقاید و نگرش‌ها را آموخته و با استفاده از الگوها، مفید و مناسب بودن رفتارها را می‌آموزند. مطابق با نظریه یادگیری اجتماعی، بسیاری از یادگیری‌های ما با الگوبرداری و مشاهده رفتار دیگران صورت می‌گیرد و نتیجه رفتارهای دیگران است. براساس این نظریه، یادگیری اجتماعی انسان با مشاهده نتایج رفتار الگو رخ می‌دهد و افراد در فرآیند جامعه‌پذیری، نگرش‌ها و رفتارها را ابتدا با مشاهده اعضای خانواده و الگوبرداری از آنها و سپس با مشاهده و الگوبرداری از دیگر افراد مهم می‌آموزند. باندورا با تمایز قائل شدن بین یادگیری مشاهده‌ای و تقلیدی، معتقد است یادگیری می‌تواند تقلیدی باشد یا نباشد و یادگیری مشاهده‌ای در هر زمانی می‌تواند رخ دهد؛ با تقویت یا بدون تقویت، با تقلید یا بدون تقلید. از نظر باندورا یادگیری پیچیده‌تر از یک تقلید است؛ زیرا تقلید، نوعی الگوبرداری ساده از رفتار دیگران است، ولی یادگیری با پردازش اطلاعات حاصل می‌شود. وی معتقد است که آموزش مستقیم، تنها وسیله برای یادگیری نیست، بلکه عنصری اجتماعی نیز در یادگیری دخیل است و افراد می‌توانند اطلاعات و رفتارهای جدید را از طریق مشاهده دیگران یاد بگیرند. باندورا، رفتار انسان را در یک ساختار ارتباط متقابل سه‌گانه یا روابط متقابل میان رفتار، متغیرهای محیطی و عوامل فردی توضیح داده است. در این ساختار، فرد ضمن تأثیر بر محیط و رفتار، از آنها تأثیر نیز می‌پذیرد. همچنین محیط و رفتار بر یکدیگر تأثیر و تأثر متقابل دارند. بنابراین، هر یک از سه عامل، در رابطه‌ای متقابل با دو عامل دیگر قرار دارد و تأثیر و تأثر متقابل و دوسویه بین عوامل برقرار است (چابکی و زارعان، ۱۳۹۸).

براساس نظریه یادگیری، افراد در فرایند اجتماعی شدن در وهله نخست در خانواده، نگرش‌ها و رفتارها را با مشاهده و مدل‌گیری از والدین می‌آموزند. فرایند یادگیری از سال‌های نخست زندگی فرد آغاز می‌شود و فرد با مشاهده و الگوبرداری از والدین، رفتار صمیمانه یا خشن را می‌آموزد و آن را مبنایی برای ایجاد روابط با دیگران قرار می‌دهد. در واقع، همین الگوها نگرش‌هایی در خصوص چگونگی رفتار با جنس مخالف به وی می‌دهد. براساس

این نظریه، بسیاری از رفتارها قابل تغییر و تفسیر است. اطلاعات و به دنبال آن یادگیری، اغلب از راه کنش متقابل با دیگران به دست می‌آید و در خانواده، با شکل‌گیری نخستین تعاملات اجتماعی انسان، اولین آموزش‌ها تحقق می‌یابد. در واقع، رفتار والدین، سرمشق و الگویی برای رفتارهای بعدی فرزندان می‌شود.

نظریه یادگیری تبیین‌کننده انتقال رفتارهای خوب و بد از والدین به فرزندان می‌باشد. فرهنگ مسلط در خانواده با انتقال به فرزندان، رفتار آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. براین اساس، خانواده با ارائه چشم‌اندازی مطلوب از روابط زناشویی و بازتاب هم‌دلی، عشق و عواطف بین زوجین، می‌تواند الگویی موفق برای ازدواج و تشکیل خانواده به فرزندان ارائه نماید. از این رو، هرگونه نگرشی درباره خانواده، ازدواج و چگونگی رفتار با همسر، با نظریه یادگیری قابل بررسی است (چابکی و زارعان، ۱۳۹۸). براساس نظریه یادگیری اجتماعی، تعاملات روزمره با والدین فرصت مشاهده و تقلید رفتارها و نگرش والدین را برای کودکان فراهم می‌کند (ولچیک، کریستوفر، تین، رودز و سندلر، ۲۰۱۹). در خانواده، بسیاری از نگرش‌های فرزندان با مشاهده نگرش‌ها و به طور خاص، مشاهده رفتارهای نگرشی والدین شکل می‌گیرد. این فرایند حتی در شرایطی که والدین در آموزش نگرشی خاص به فرزندان خود تعمد نداشته باشند، برقرار است. به این ترتیب فرایند الگوگیری نقش مهمی در شکل دادن نگرش‌ها ایفا می‌کند (شریفی زاده، ۱۳۹۱).

نتایج مطالعات مختلف نشان داده است که نگرش‌های کلی والدین درباره روابط و زندگی خانوادگی بر نگرش‌های فرزندان مؤثر است. مهارت‌های رابطه‌ای از قبیل سبک‌های کشمکش و الگوهای ارتباطی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند. احتمالاً مکانیسم انتقال نگرش‌های ارتباطی به این صورت است که همان‌گونه که والدین رفتارهای ارتباطی مثبت و منفی را به فرزندانشان سرمشق می‌دهند، فرزندان این رفتارها را تعمیم داده و انتظارات خود از ازدواج و دیگر روابط خانوادگی را بسط می‌دهند (ویلوبی، کارول، ویتاس و هیل، ۲۰۱۲). بنابراین، والدین نقش مهمی در شکل‌گیری نگرش فرزندان به ازدواج دارند و به نظر می‌رسد نگرش فرزندان به ازدواج تحت تأثیر آموزش‌های والدین در زمینه ازدواج و زندگی

1. Wolchik, S., Christopher, C., Tein, J. Y., Rhodes, C. A., & Sandler, I. N.
2. Willoughby, B. J., Carroll, J. S., Vitas, J. M., & Hill, L. M.

زناشویی و نیز یادگیری اجتماعی رفتارهای والدین شکل می‌گیرد. از این رو، پژوهش حاضر نیز در پی بررسی نقش والدین در نگرش فرزندان به ازدواج از طریق بررسی تأثیر آموزش‌های والدین در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی و رفتارهای آنان در تعاملات زناشویی، بر نگرش فرزندان نسبت به ازدواج است.

در زمینه نقش خانواده و والدین در نگرش فرزندان به ازدواج پژوهش‌های مختلفی انجام شده است. خجسته مهر و همکاران (۱۳۹۶) فرایند شکل‌گیری نگرش به ازدواج را بررسی نموده‌اند که براساس نتایج آن تجربیات اولیه افراد و مشاهده الگوهای ناقص حاصل از مقایسه اجتماعی، کیفیت زندگی، سابقه ذهنی و طرح‌واره، الگوهای والدینی و نقش تربیتی خانواده از شرایط علی تغییر نسبی در نگرش به ازدواج است. نیازی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با بررسی نقش عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر در نگرش منفی به ازدواج به این نتیجه رسیده‌اند که بین متغیرهایی همچون خانواده، با متغیر نگرش منفی به ازدواج رابطه معنادار وجود دارد و وجود بحران‌های خانوادگی، اختلافات والدین و ارائه تصویر منفی از ازدواج، موجب هراس فرزندان از ازدواج شده است. براساس یافته‌های اکباس، سورکیو، کوروگلو و اوزتورک^۱ (۲۰۱۹) نگرش مثبت دانشجویان به ازدواج تحت تأثیر ازدواج و خوشبختی والدین است. نتایج مطالعه عبدالله پور (۱۳۹۸)، کیم و یونگ^۲ (۲۰۱۵) حاکی از رابطه معنادار بین نگرش نسبت به ازدواج و طلاق با عملکرد خانواده است. در پژوهش عباسی و حسینی (۱۳۹۷) نیز عملکرد خانواده بیشترین نقش را در پیش‌بینی نگرش فرزندان به ازدواج داشت. براساس پژوهش لازینسکی^۳ (۲۰۱۶)، کوی و فینچام^۴ (۲۰۱۰) و خجسته مهر، ممبینی و اصلانی (۱۳۹۲)، فرزندان خانواده‌های طلاق در مقایسه با خانواده‌های عادی نگرش منفی‌تری به ازدواج داشتند. یافته‌های لی^۵ (۲۰۱۴) نیز نشان داده است که نگرش فرزندان نسبت به ازدواج بستگی زیادی به والدین و جو خانواده دارد؛ افرادی که والدین آنها درگیری داشتند یا طلاق گرفته بودند، نگرش منفی نسبت به ازدواج داشتند.

1. Akbas, M., Surucu, S. G., Koroglua, C. O., & Ozturk, M.
2. Kim, H. S., & Jung, Y. M.
3. Lazinski, M. J.
4. Cui, M., & Fincham, F. D.
5. Li, X.

همچنین پژوهش هوانگ و لین^۱ (۲۰۱۴) نشان داد که افزایش سطح تعارض والدین، بر نگرش دانشجویان نسبت به ازدواج تأثیر منفی داشته است و دانش‌آموزان خانواده‌های سالم یا خانواده‌هایی که درگیری والدین پایین‌تری داشتند، نگرش مثبت‌تری نسبت به ازدواج داشتند. مطالعه اکبری قمصری و مهدی‌زاده مقدم (۱۳۹۸) نیز نشان داد که جو مثبت خانواده بر گرایش به ازدواج تأثیر مثبت دارد. همچنین یافته‌های باقریان و کاظمیان (۱۳۹۰) حاکی از همبستگی مثبت معنادار بین نگرش دانشجویان نسبت به ازدواج و مؤلفه‌های جو اجتماعی خانواده است.

وجه تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین، تمرکز آن بر نقش والدین در آموزش و یادگیری فرزندان در خانواده در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی در فرایندی طولانی، یعنی دوران کودکی، نوجوانی و جوانی و سنجش تأثیر این فرایند بر نگرش به ازدواج است که چنین رویکردی در پژوهش‌های پیشین دیده نشده است. از این رو، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ این پرسش بوده است که آیا آموزش‌های والدین در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی و رفتارهای آنان در تعاملات زناشویی بر نگرش فرزندان نسبت به ازدواج مؤثر است؟

۲. شیوه اجرای پژوهش

۲-۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر از حیث هدف، کاربردی و از حیث زمان، مقطعی است که به روش غیرآزمایشی از نوع همبستگی انجام شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS ۲۵ و به روش رگرسیون خطی چندمتغیره انجام شد. در پژوهش حاضر برای سنجش روایی پرسش‌نامه‌های محقق ساخته از اعتبار صوری (ظاهری) استفاده شده است که بدین منظور پرسش‌نامه‌ها در اختیار چند متخصص در آن موضوع قرار گرفت و با بهره‌گیری از نظرات آنان پرسش‌نامه‌ها اصلاح و در نهایت توسط ایشان تأیید شد. برای سنجش میزان پایایی پرسش‌نامه‌ها نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده شد.

1. Huang, Y. C., & Lin, S. H.

۲-۲. جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل دختران و پسران مجرد ساکن شهر تهران بود که برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد. براساس آخرین سرشماری (سال ۱۳۹۵)، تعداد زنان هرگز ازدواج نکرده ۱۵ تا ۳۹ ساله شهر تهران ۷۴۷۰۸۷ نفر و تعداد مردان هرگز ازدواج نکرده ۲۰ تا ۳۹ ساله شهر تهران ۷۴۲۰۳۳ نفر بوده است که مجموع آن ۱۴۸۹۱۲۰ می باشد؛ در نتیجه براساس فرمول کوکران حجم نمونه ۳۸۴ نفر در نظر گرفته شد و افراد نمونه به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای با در نظر گرفتن ملاحظات اخلاقی پژوهش از جمله رضایت آگاهانه انتخاب شدند.

۲-۳. ابزار پژوهش

۲-۳-۱. پرسش‌نامه نگرش به ازدواج

پرسش‌نامه استاندارد نگرش فرزند به ازدواج توسط براتن و روزن (براتن و روزن، ۱۹۹۸^۱، به نقل از نیلفروشان، نویدیان و عابدی، ۱۳۹۲) ساخته شده و شامل ۲۳ گویه در طیف چهار درجه‌ای لیکرت است. این مقیاس چهار مؤلفه نگرش خوش بینانه، بدبینانه، ایده‌آل‌گرایانه و واقع‌گرایانه به ازدواج را می‌سنجد. شیمکوفسکی، پونیانونت-کارتز، کولول و نورمن^۲ (۲۰۱۸)، القشان و الکندری^۳ (۲۰۱۰)، غلامی قره‌شیران، ثنایی، کیامنش و زهراکار (۱۳۹۹)، شعفی زاده، پورنجاریان و سپهری شاملو (۱۳۹۸)، سیاح، کوچک انتظار و حسنی (۱۳۹۶) و نیل فروشان و همکاران (۱۳۹۲)، به ترتیب ضریب آلفای کرونباخ ۰٫۸۹، ۰٫۷۲، ۰٫۷۶، ۰٫۷۵ و ۰٫۷۷ را برای این مقیاس گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ این مقیاس ۰٫۷۶۳ بوده است.

۲-۳-۲. پرسش‌نامه سنجش آموزش‌های والدین در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی

این پرسش‌نامه محقق ساخته، شامل مؤلفه‌های آموزش نحوه انتخاب همسر، آموزش حقوق و تکالیف در زندگی زناشویی، آموزش ویژگی‌های جنسیتی و آموزش نحوه تعامل مطلوب با همسر و خانواده او می‌باشد. این مقیاس دارای ۲۴ گویه در طیف پنج درجه‌ای لیکرت است که میزان آموزش‌های هر یک از والدین در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی را

1. Braaten, E. B., & Rosén, L. A.
2. Shimkowski, J. R., Punyanunt-Carter, N., Colwell, M. J., & Norman, M. S.
3. Alqashan, H., & Alkandari, H.

می‌سنجد. آلفای کرونباخ پیش‌آزمون با اجرای پرسش‌نامه بر روی نمونه اولیه به تعداد ۳۰ نفر، برای آموزش‌های پدر و مادر در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی به ترتیب ۰,۹۸۹ و ۰,۹۸۴ بود و پس از اجرای کامل آزمون نیز آلفای کرونباخ محاسبه شده که برای آموزش‌های پدر و مادر در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی به ترتیب ۰,۹۸۵ و ۰,۹۸۳ شد.

۲-۳-۳. پرسش‌نامه سنجش رفتارهای والدین در تعاملات زناشویی

این پرسش‌نامه محقق ساخته شامل مؤلفه‌های رعایت حقوق و انجام تکالیف زناشویی توسط والدین، توجه والدین به ویژگی‌های جنسیتی، تعامل صحیح والدین با یکدیگر و تعامل صحیح والدین با خانواده‌های یکدیگر است. این مقیاس دارای ۱۲ گویه در طیف پنج درجه‌ای لیکرت است که رفتار هر یک از والدین در زندگی زناشویی را می‌سنجد. آلفای کرونباخ پیش‌آزمون با اجرای پرسش‌نامه بر روی نمونه اولیه به تعداد ۳۰ نفر، برای رفتارهای پدر و مادر در تعاملات زناشویی به ترتیب ۰,۹۶۹ و ۰,۹۳۷ بود و پس از اجرای کامل آزمون نیز آلفای کرونباخ محاسبه شد که برای رفتارهای پدر و مادر در تعاملات زناشویی به ترتیب ۰,۹۶۱ و ۰,۹۵۱ شد.

۳. یافته‌های پژوهش

نمونه پژوهش ۳۸۴ نفر با میانگین سنی ۲۳,۸ سال، شامل ۲۳۰ دختر ۱۵ تا ۴۰ ساله و ۱۵۴ پسر ۱۹ تا ۴۰ ساله بود؛ بدین ترتیب ۵۹,۹٪ از نمونه را دختران و ۴۰,۱٪ را پسران تشکیل دادند. اکثر مشارکت‌کنندگان در گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال (۴۱,۱٪) و ۲۵ تا ۲۹ سال (۲۱,۶٪) قرار داشتند. تحصیلات افراد از زیردیپلم تا دکترا بود و اکثر مشارکت‌کنندگان تحصیلات دیپلم (۴۶,۱٪) و لیسانس (۲۶,۸٪) داشتند. سن پدران ۳۱ تا ۸۳ سال با میانگین سنی ۵۴,۶ و سن مادران ۲۹ تا ۷۸ سال با میانگین سنی ۴۹,۱ بود. میانگین نمره استاندارد شده در بازه ۰ تا ۱۰۰ آموزش‌های پدر در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی، ۵۹,۹۴ با انحراف استاندارد ۳۰,۱۹ و بیشترین فراوانی به ترتیب مربوط به آموزش بسیار زیاد (۳۱,۸٪)، زیاد (۲۶٪)، متوسط (۱۹٪)، کم (۱۳,۳٪) و بسیار کم (۹,۹٪) بود. اکثر مشارکت‌کنندگان (۵۷,۸٪) میزان آموزش‌های پدر در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی را زیاد و بسیار زیاد

ارزیابی کردند. میانگین نمره استاندارد شده در بازه ۰ تا ۱۰۰ آموزش های مادر در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی، ۶۸٫۵۹ با انحراف استاندارد ۲۶٫۶۸ و بیشترین فراوانی به ترتیب مربوط به آموزش بسیار زیاد (۴۰٫۶٪)، زیاد (۲۶٫۶٪)، متوسط (۲۰٫۳٪)، کم (۷٫۸٪) و بسیار کم (۴٫۷٪) بود. اکثر مشارکت کنندگان (۶۷٫۲٪) میزان آموزش های مادر در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی را زیاد و بسیار زیاد ارزیابی کردند.

میانگین نمره استاندارد شده در بازه ۰ تا ۱۰۰ رفتارهای پدر در تعاملات زناشویی، ۶۶٫۴۷ با انحراف استاندارد ۲۲٫۰۲ و بیشترین فراوانی به ترتیب مربوط به مطلوبیت زیاد (۳۴٫۴٪)، بسیار زیاد (۲۷٫۹٪)، متوسط (۲۶٫۶٪)، کم (۸٫۸٪) و بسیار کم (۲٫۳٪) بود. اکثر مشارکت کنندگان (۶۲٫۳٪) میزان مطلوبیت رفتارهای پدر در تعاملات زناشویی را زیاد و بسیار زیاد ارزیابی کردند. میانگین نمره استاندارد شده در بازه ۰ تا ۱۰۰ رفتارهای مادر در تعاملات زناشویی، ۷۴٫۲۰ با انحراف استاندارد ۱۹٫۳۴ و بیشترین فراوانی به ترتیب مربوط به مطلوبیت بسیار زیاد (۴۲٫۲٪)، زیاد (۳۳٫۳٪)، متوسط (۲۰٫۳٪) و کم (۴٫۲٪) بود. اکثر مشارکت کنندگان (۷۵٫۵٪) میزان مطلوبیت رفتارهای مادر در تعاملات زناشویی را زیاد و بسیار زیاد ارزیابی کردند. میانگین نمره استاندارد شده در بازه ۰ تا ۱۰۰ نگرش به ازدواج، ۶۷٫۸۶ با انحراف استاندارد ۸٫۹۰ و بیشترین فراوانی به ترتیب مربوط به نگرش مثبت زیاد (۷۱٫۱٪)، متوسط (۱۸٫۵٪)، بسیار زیاد (۹٫۹٪)، و کم (۰٫۵٪) بود. نمره اکثر مشارکت کنندگان (۸۱٪) بالاتر از ۶۰ بود که نشان دهنده زیاد بودن نگرش مثبت به ازدواج است.

جدول ۱

ماتریس همبستگی بین متغیرهای آموزش های والدین، رفتارهای والدین و نگرش به ازدواج

متغیر	آموزش های پدر	آموزش های مادر	رفتارهای پدر	رفتارهای مادر	نگرش به ازدواج
آموزش های پدر	-				
آموزش های مادر	**۷۹۵.	-			
رفتارهای پدر	**۳۶۷.	**۲۶۸.	-		
رفتارهای مادر	**۲۲۱.	**۲۸۹.	**۶۳۷.	-	
نگرش به ازدواج	۰۵۸.	*۱۲۰.	*۱۱۰.	**۲۰۴.	-

**P ≤ ۰٫۰۱, *P ≤ ۰٫۰۵

براساس جدول ۱ بین سه متغیر آموزش های مادر در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی، رفتارهای پدر و رفتارهای مادر در تعاملات زناشویی با نگرش فرزندان نسبت به ازدواج رابطه مثبت معنادار وجود دارد و آموزش های پدر در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی با نگرش فرزندان نسبت به ازدواج رابطه معنادار ندارد.

برای سنجش تأثیر متغیرهای پیش بین بر نگرش به ازدواج از رگرسیون خطی چندمتغیره گام به گام استفاده شده است. براساس نتایج معناداری مدل رگرسیون برای پیش بینی نگرش نسبت به ازدواج، مقدار R^2 که برابر با ۰٫۰۴۳ می باشد، نشان می دهد که ۴٪ از کل تغییرات نگرش فرزندان به ازدواج وابسته به سه متغیر آموزش های مادر، رفتارهای پدر و رفتارهای مادر در تعاملات زناشویی است. با توجه به این که F محاسبه شده معنی دار است، مدل رگرسیون خطی معنادار بوده، در نتیجه آموزش های مادر، رفتارهای پدر و رفتارهای مادر در تعاملات زناشویی با نگرش فرزندان نسبت به ازدواج رابطه خطی معنادار دارند. از بین سه متغیر آموزش های مادر، رفتارهای مادر و رفتارهای پدر، دو متغیر آموزش های مادر و رفتارهای پدر از مدل خارج شده و بر متغیر نگرش فرزندان به ازدواج تأثیری نداشته اند، اما متغیر رفتارهای مادر در تعاملات زناشویی بر نگرش فرزندان به ازدواج مؤثر است. با توجه به مقدار ضریب تأثیر رگرسیونی ($Beta = ۰٫۲۰۷$) نیز می توان گفت که به ازای یک انحراف استاندارد در متغیر رفتارهای مادر در تعاملات زناشویی، نمره نگرش فرزندان به ازدواج به میزان ۰٫۲۰۷ انحراف استاندارد افزایش می یابد. بنابراین از بین چهار متغیر پژوهش، فقط متغیر رفتارهای مادر در تعاملات زناشویی، پیش بینی کننده نگرش فرزندان به ازدواج است.

۴. بحث و نتیجه گیری

یکی از پایه های اساسی شکل گیری جامعه ازدواج و فرزندآوری است. اغلب جوامع و فرهنگ ها چارچوب های مشخص و معینی را در شکل گیری ازدواج در نظر دارند؛ به طوری که فراروی از آن چارچوب را امری ناپسند و ناهنجار می شمارند. در ایران همچون بسیاری از جوامع و فرهنگ ها ازدواج امری مسلم، پذیرفته شده و مورد تأکید است.

دین اسلام همواره بر ازدواج جوانان تأکید داشته و در مواردی آن را واجب می‌داند. با این حال، در دوران اخیر ازدواج و شکل‌گیری خانواده با دگرگونی‌های زیادی روبرو شده است، به طوری که در خوش‌بینانه‌ترین حالت جوانان ازدواج را مانع پیشرفت دانسته و یا عدم توانایی مالی را مانع ازدواج می‌دانند و از ازدواج سرباز می‌زنند، اما گاه نیز این اندیشه که نیازهای جنسی الزاما نباید در چارچوب ازدواج تأمین شود، جوانان را از ازدواج منصرف کرده است. هر دو اندیشه هر چند در سطوحی بسیار متفاوت، آسیب‌های فردی و اجتماعی را در بر دارد. منشأ بسیاری از این دگرگونی‌ها را می‌توان در تغییر نگرش نسبت به ازدواج پیدا کرد. بنابراین، یک گام مهم در زمینه حل مسئله ازدواج جوانان، بررسی نگرش آنان به ازدواج و عوامل تأثیرگذار بر آن است. با توجه به اینکه عمیق‌ترین ارتباطات فرد در بستر خانواده و در رابطه با والدین شکل می‌گیرد و استمرار می‌یابد، والدین را می‌توان از مهمترین منابع مؤثر بر باورها و نگرش‌های افراد دانست. از این رو، پژوهش حاضر به بررسی نقش والدین در نگرش فرزندان به ازدواج پرداخته است.

بر اساس یافته‌ها از بین چهار متغیر آموزش‌های پدر، آموزش‌های مادر، رفتارهای پدر و رفتارهای مادر، فقط رفتارهای مادر در تعاملات زناشویی بر نگرش فرزندان نسبت به ازدواج مؤثر است و افزایش رفتارهای مطلوب مادر در تعاملات زناشویی، موجب نگرش مثبت‌تر فرزند به ازدواج می‌شود. این نتیجه با یافته‌های مطالعات پیشین در این زمینه که همگی حاکی از تأثیر کیفیت روابط والدین بر نگرش فرزندان به ازدواج است، همسوست. بر اساس پژوهش‌های پیشین الگوهای والدینی از شرایط علی مؤثر بر نگرش به ازدواج است (ر.ک.، خجسته‌مهر، و همکاران، ۱۳۹۶) و نگرش مثبت فرزندان به ازدواج تحت تأثیر ازدواج و خوشبختی والدین می‌باشد (ر.ک.، اکباس، و همکاران، ۲۰۱۹). عملکرد خانواده با نگرش مثبت به ازدواج رابطه معنادار داشته (ر.ک.، کیم و یونگ، ۲۰۱۵؛ عبدالله‌پور، ۱۳۹۸؛ عباسی و حسینی، ۱۳۹۷) و جو مثبت خانواده بر گرایش به ازدواج تأثیر مثبت دارد (ر.ک.، اکبری قمصری و مهدی‌زاده مقدم، ۱۳۹۸؛ باقریان و کاظمیان، ۱۳۹۰). در مقابل، بحران‌های خانوادگی، اختلافات والدین و ارائه تصویر منفی از ازدواج، با نگرش منفی به ازدواج رابطه معنادار دارد (ر.ک.، نیازی، و همکاران، ۱۳۹۴)، درگیری والدین و افزایش سطح تعارض آنان موجب نگرش منفی فرزندان به ازدواج می‌شود (ر.ک.، هوانگ و لین، ۲۰۱۴؛ لی، ۲۰۱۴) و

طلاق والدین نیز بر نگرش منفی فرزندان به ازدواج مؤثر است (ر.ک.، لازینسکی، ۲۰۱۶؛ کوی و فینچام، ۲۰۱۰؛ خجسته مهر، و همکاران، ۱۳۹۲).

یافته‌های پژوهش حاضر با نظریات موجود در این زمینه هماهنگی دارد. براساس نظریه یادگیری اجتماعی، باورها و نگرش‌های والدین درباره زندگی زناشویی از طریق الگوپذیری به فرزندان منتقل می‌شود و نگرش آنان به ازدواج تحت تأثیر مشاهده رفتارهای والدین در تعاملات زناشویی شکل می‌گیرد. فرزندان با مشاهده ازدواج والدین به ارزیابی مطلوبیت ازدواج می‌پردازند و بدین صورت نگرش فرزندان به ازدواج از مشاهدات و ادراکات آنان از کیفیت روابط والدین در زندگی زناشویی نشأت می‌گیرد.

نظریه دیگری که با استفاده از آن می‌توان تأثیرپذیری نگرش فرزندان از کیفیت ازدواج والدین را تبیین کرد، نظریه انتقال بین نسلی است که نشان دهنده چگونگی انتقال نگرش و رفتار از والدین به فرزندان است. براساس این نظریه، رفتار والدین در تعاملات زناشویی الگویی برای فرزندان است که تعمیم این الگو توسط فرزندان، انتظارات و نگرش آنان نسبت به ازدواج را پایه‌ریزی نموده و به مدل‌سازی فرزندان از تعاملات والدین در زندگی آینده‌شان منجر خواهد شد. کودکی که در خانواده‌ای سالم با تعاملات زناشویی مثبت والدین رشد می‌کند ازدواج را امری مثبت می‌پندارد، ولی کودکی که در خانواده‌ای با تعاملات زناشویی منفی والدین رشد می‌کند دیدگاه مثبتی به ازدواج نخواهد داشت. بنابراین، تجارب کودکان از روابط والدینشان نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری نگرش آنان به ازدواج و زندگی زناشویی دارد که در تصمیم‌گیری برای ازدواج و نیز نحوه عملکرد آنان در زندگی زناشویی آینده‌شان نقش بسزایی دارد. علاوه بر این، کیفیت زناشویی والدین، باورها و نگرش‌هایی را که والدین با فرزندان‌شان به اشتراک می‌گذارند تحت تأثیر قرار می‌دهد. براین اساس، والدینی که از ازدواج و زندگی زناشویی خود رضایت دارند، دیدگاه مثبتی در زمینه ازدواج خواهند داشت و این دیدگاه مثبت را در گفت‌وگو با فرزندان به آنها انتقال می‌دهند و نگرش فرزندان به ازدواج را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

نقش مؤثر رفتارهای مادر در تعاملات زناشویی در پیش‌بینی نگرش فرزند به ازدواج از یافته‌های مهم پژوهش حاضر است. رابطه عمیق مادر و فرزند که ریشه در همزیستی و

هم جواری بیشتر مادر با فرزند دارد، می‌تواند از دلایل تسهیل و تقویت تأثیر مادر بر نگرش فرزند در مقایسه با سایر مراجع مؤثر باشد. همچنین با توجه به اینکه به طور معمول پدر به دلیل اشتغال، حضور کمتری در خانه دارد و مادر و فرزند زمان بیشتری را با هم سپری می‌کنند، مشاهده بیشتر رفتارهای مادر در مقایسه با رفتارهای پدر، می‌تواند در افزایش تأثیرپذیری فرزند از مادر، نسبت به پدر، در ابعاد گوناگون و از جمله نگرش به موضوعات مختلف نقش داشته باشد. در دین اسلام نیز بر نقش تربیتی مادران تأکید ویژه‌ای شده است و روایات نقل شده در زمینه برخی ویژگی‌های زن که در همسرگزینی باید مورد توجه مرد قرار گیرد، شاهی بر این مطلب است (ر.ک.، جوادی آملی، ۱۳۹۳).

آثار تربیتی بی‌بدیل نقش مادری و توجه خاص آموزه‌های اسلامی نسبت به آن، حاکی از اهمیت جایگاه مادری در اسلام است (خانی مقدم، ۱۳۹۵). خداوند برای مادر وظیفه پرورش، تزکیه و پالایش را قرار داده تا فرزند را با مربی‌گری خود، به درجات متعالی رشد و سلوک برساند. این وظیفه سنگین و حساس مادر است؛ زیرا کودک از ابتدای زندگی، مادر را تنها حلقه ارتباطی خود با دنیای مادی می‌داند. مادر اولین مربی کودک در زندگی است. مربی به معنای تربیت‌کننده و پرورش‌دهنده و در اصطلاح معلمی است که به خیر و نیکی دعوت می‌کند. نقش الگویی، مهم‌ترین نقش مربی است و تفاوت مربی با معلم این است که معلم از طریق صحبت کردن، دیگران را دعوت به خیر می‌کند؛ ولی مربی با عمل، دعوت می‌کند. در واقع، همه رفتارهای مادر در جایگاه مربی، الگوی فرزند است (میرخانی، غروی نائینی و همدانیان، ۱۳۹۰). همچنین توجه به این نکته ضروری است که اگرچه مادری از مهمترین نقش‌های زن در خانواده است، اما در بیان نسبت میان دو نقش مادری و همسری باید گفت که علاوه بر آموزه‌های دینی که همسری را تکلیف واجب زن می‌داند، تحلیل‌های روان‌شناختی نیز اولویت را به نقش همسری می‌دهد. ایفای نقش همسری به نحو مطلوب و در نتیجه رابطه صحیح همسران، محور اساسی در تربیت است و آشنفگی در رابطه پدر و مادر منجر به ایجاد مشکل در فرزندپروری می‌شود. در واقع، یک سیستم زن و شوهری وجود دارد که محور خانواده است و پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد که اگر سیستم زن و شوهری دچار ضعف شود، تمامی زیرسیستم‌های خانواده نیز ضعیف خواهند شد. بنابراین، اگر

رابطه زن و شوهر دچار اختلال شود، رابطه والدین و فرزندان و در نتیجه فرزندپروری نیز دچار اختلال خواهد شد (جان بزرگی، ۱۳۹۳).

یافته‌های پژوهش حاضر نشان دهنده عدم تأثیر رفتارهای پدر در تعاملات زناشویی بر نگرش فرزند به ازدواج است که به نظر می‌رسد حاکی از کاهش نقش تربیتی پدر در خانواده دارد. تأکید بیش از حد بر اهمیت نقش مادر در تربیت فرزند می‌تواند آسیب به حاشیه رفتن پدر در امر تربیت را در پی داشته باشد. عدم همکاری پدر در امر تربیت، نابسامانی در تربیت فرزندان به ویژه پسران را به دنبال دارد؛ زیرا از سویی موجب شکل‌گیری هویت پسر با همانندسازی و الگوگیری از مادر در غیاب الگوی مردانه می‌شود و از سوی دیگر، جامعه‌پذیری فرزندان برای پذیرش و ایفای نقش‌های جنسیتی را دچار اختلال می‌کند (حاجی اسماعیلی، ۱۳۹۳) که در نهایت موجب مواجه شدن فرزندان با مشکلات مهمی در آینده خواهد شد. بنابراین، لازم است به نقش تربیتی پدران در خانواده توجه شود و تدابیری اندیشیده شود که پدران حضور پررنگ‌تری در تربیت فرزندان داشته باشند و همچنین آگاهی و مهارت‌های لازم را برای ایفای نقش مؤثر پدری کسب نمایند.

موضوع دیگری که در نتایج برجسته است، تأثیرگذاری تعاملات در مقایسه با آموزش‌های مستقیم است. تعاملات و عملکرد مادر در زندگی زناشویی خواسته و ناخواسته بر نگرش فرزندان به ازدواج تأثیرگذار است. یک اصل تربیتی مهم در تعاملات اجتماعی دقت در رفتار است؛ زیرا تأثیرگذاری رفتار بسیار بیشتر از گفتار است و بر این اساس، عملکرد مادر در زندگی، راهنمای عملی و الگوی فرزند است. روایات نقل شده در این زمینه نیز مؤید این مطلب است چنان که امام صادق علیه السلام در روایتی می‌فرماید: «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ السَّبْتِ...» (کلینی، ۱۳۶۷، ۲/۷۸). دین مبین اسلام بر مسئولیت والدین در قبال تربیت فرزندان و سرنوشت آنان سفارش اکید دارد و در این راستا حقوقی را برای فرزند بر عهده پدر مشخص کرده است که از جمله این حقوق آن است که اسلام یکی از وظایف اصلی پدر را به ازدواج درآوردن فرزند به وقت بلوغ او می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۹۳). طبیعی است که به ازدواج درآوردن فرزند نیاز به مقدماتی از جمله ایجاد نگرش صحیح به ازدواج و تشکیل خانواده در فرزند دارد. در دوران کنونی خانواده با رقبای جدی تربیتی در برابر خود مواجه شده است

و در نتیجه جایگاه تربیتی آن رو به افول است. مراجع یادگیری و آموزشی خارج از خانواده در تلاشند که بیشترین تاثیرگذاری را بر اندیشه و عملکرد جوانان داشته باشند؛ خانواده برای مصون ماندن از خطرات و آسیب‌هایی که فرزندان را تهدید می‌کند، باید ضمن پرهیز از دخالت‌های نابجا و موعظه‌های مداخله‌گرایانه، هوشمندانه فرزندان را هدایت نماید که لازمه آن آگاهی بخشی و توانمندسازی والدین در این زمینه است.

باتوجه به اهمیت ازدواج و کارکردهای مهم فردی و اجتماعی آن، به‌ویژه با رویکرد اسلامی - ایرانی، پیشنهاد می‌شود در سیاستگذاری‌های ازدواج، بر نقش والدین در ایجاد نگرش صحیح فرزندان به ازدواج توجه ویژه شود و در برنامه‌ریزی‌های مرتبط با خانواده نیز، با آگاهی بخشی به والدین در زمینه نقش مؤثر آنان در نگرش و عملکرد فرزندان در زندگی خانوادگی آینده و ارائه آموزش‌های لازم به والدین، زمینه را برای تقویت نقش تربیتی خانواده بیش از پیش فراهم نمود.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۲). مترجم: فولادوند، محمد مهدی. قم: چاپخانه بزرگ قرآن کریم.
۱. اکبری قمصری، امیر. و مهدی زاده مقدم، حسین (۱۳۹۸). تحلیل تطبیقی گرایش به ازدواج و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان و طلاب شهر تهران. نشریه جامعه‌شناسی ایران، ۴(۲۰)، ۵۸-۸۵.
 ۲. باقریان، مهرنوش، و کاظمیان، سمیه (۱۳۹۰). ارتباط نگرش نسبت به ازدواج و طلاق با مؤلفه‌های جو اجتماعی خانواده در دانشجویان دانشکده پرستاری حضرت زینب (علیها السلام) لارستان. نشریه دنا، ۱(۶) و ۱۱-۲۰.
 ۳. بستان (نجفی)، حسین (۱۳۹۶). جامعه‌شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 ۴. بوجاری، سهیلا، و پرچم، اعظم (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی جایگاه و اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده در اسلام و یهود. نشریه معرفت ادیان، ۴(۳)، ۱۷-۳۶.
 ۵. جان بزرگی، مسعود (۱۳۹۳). مادری در نگاه دینی و عینیت اجتماعی. قم: مرکز تحقیقات زن و خانواده.
 ۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳). مفاتیح الحیات. قم: اسراء.
 ۷. چاپکی، ام‌البنین، و زارعان، منصوره (۱۳۹۸). درآمدی بر نظریه‌های جامعه‌شناختی خانواده (ازدواج، طلاق و فرزندآوری). تهران: جامعه‌شناسان و روش‌شناسان.
 ۸. حاجی اسماعیلی، سمیه (۱۳۹۳). مادری در نگاه دینی و عینیت اجتماعی. قم: مرکز تحقیقات زن و خانواده.
 ۹. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۶۷). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. تهران: مکتبه الاسلامیه.
 ۱۰. خجسته مهر، رضا، محمدی، علی، و عباس پور، ذبیح‌اله (۱۳۹۶). نظریه زمینه‌ای فرایند شکل‌گیری نگرش به ازدواج: یک مطالعه کیفی. نشریه تحقیقات کیفی در علوم سلامت، ۶(۳)، ۳۴۳-۳۵۴.
 ۱۱. خانی مقدم، مهیار (۱۳۹۵). بن‌مایه‌های اعتقادی نقش مادری در زن آموزه‌های وحیانی. نشریه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۴(۲۲)، ۱۲۷-۱۵۵.
 ۱۲. خجسته مهر، رضا، ممبینی، جعفر، و اصلانی، خالد (۱۳۹۲). مقایسه نگرش به ازدواج و طلاق و دلبستگی به همسالان در دانش‌آموزان پسر دبیرستانی خانواده‌های عادی و طلاق. نشریه روان‌شناسی مدرسه، ۲(۳)، ۵۷-۷۵.
 ۱۳. دهقان نژاد، رضا، و بستان (نجفی)، حسین (۱۳۹۶). حقوق و وظائف همسری و مادری زنان از دیدگاه قرآن. نشریه مطالعات قرآنی، ۸(۴)، ۲۹-۵۸.

۱۴. سالاری فر، محمدرضا (۱۳۹۷). خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی. تهران: سمت.
۱۵. سالاری فر، محمدرضا، آذربایجانی، مسعود، موسوی اصل، سیدمهدی، کاویانی، محمد، تیبک، محمدتقی، و عباسی، اکبر (۱۳۹۸). روان شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۶. سایت سازمان ثبت احوال کشور به آدرس <https://www.sabteahval.ir>
۱۷. سیاح، سرورالسادات، کوچک انتظار، رؤیا، و حسنی، فریبا (۱۳۹۶). بررسی ویژگی های روانسنجی مقیاس نگرش به ازدواج. نشریه رویش روان شناسی، ۶(۴)، ۹۳-۱۰۷.
۱۸. شریفی زاده، زینب (۱۳۹۱). بررسی رابطه سبک های دلبستگی اضطرابی و اجتنابی و نگرش مذهبی با نگرش به ازدواج و ادراک آمادگی ازدواج در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه قم. پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی. دانشگاه شهید چمران اهواز.
۱۹. شعفی زاده، حانیه، پورنجاریان، سمانه، و سپهری شاملو، زهره (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش پیش از ازدواج به روش سیمبیس بر تمایز یافتگی، نگرش ها و انتظارات زناشویی در بین دختران مجرد دانشگاه هرمزگان. نشریه پژوهش های روان شناسی بالینی و مشاوره، ۹(۲)، ۱۲۰-۱۴۰.
۲۰. عباسی، قدرت اله، و حسینی، سیده سمیه (۱۳۹۷). همبستگی بین عملکرد خانواده، تمایز یافتگی خود و رضایت از زندگی با نگرش به ازدواج در فرزندان جانبازان. نشریه طب جانباز، ۱۱(۱)، ۳۵-۴۰.
۲۱. عبدالله پور، بهزاد (۱۳۹۸). بررسی نگرش دانشجویان پرستاری نسبت به ازدواج و طلاق و رابطه آن با مؤلفه های جو اجتماعی خانواده. نشریه دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ۶۲(۱)، ۴۳۷-۴۴۵.
۲۲. غلامی قره شیران، زهرا، ثنایی، باقر، کیامنش، علیرضا، و زهراکار، کیانوش (۱۳۹۹). پیش بینی خوشنودی زناشویی بر پایه پختگی هیجانی و نگرش به پیوند زناشویی در زنان و مردان با همسرگیری زودهنگام و بهنجار. نشریه مشاوره و روان درمانی خانواده، ۱۰(۱)، ۱۵۱-۱۷۸.
۲۳. کریمی، یوسف (۱۳۹۶). روان شناسی اجتماعی (نظریه ها، مفاهیم و کاربردها). تهران: ارسباران.
۲۴. کلیئی، محمدین یعقوب (۱۳۶۷). اصول کافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۵. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ ه.ق). بحارالانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۲۶. منادی، مرتضی (۱۳۸۷). درآمدی جامعه شناختی بر جامعه پذیری. تهران: جیحون.
۲۷. موسوی، اشرف سادات (۱۳۹۲). مشاوره قبل از ازدواج. تهران: مهر کاویان.
۲۸. میرخانی، عزت السادات، غروی نائینی، نهله، و همدانیان، فاطمه (۱۳۹۰). نگره مقاصد شرعی و رسالت مادری. نشریه پژوهش نامه زنان، ۱۲(۱)، ۱۴۱-۱۱۷.
۲۹. نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۴۰۸ ه.ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. بیروت: آل البيت لاحیاء التراث.
۳۰. نیازی، محسن، شاطریان، محسن، و شفائی مقدم، الهام (۱۳۹۴). بررسی نقش عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر در نگرش منفی به ازدواج (مطالعه موردی شهروندان شهرستان کاشان). نشریه جامعه پژوهی فرهنگی، ۶(۲)، ۲۷-۵۸.
۳۱. نیک خواه، هدایت اله، فانی، مریم، و اصغریپور ماسوله، احمدرضا (۱۳۹۶). سنجش نگرش دانشجویان نسبت به ازدواج و عوامل مؤثر در آن. نشریه جامعه شناسی کاربردی، ۳(۲۸)، ۹۹-۱۲۲.
۳۲. نیلفروشان، پریرسا، نویدیان، علی، و عابدی، احمد (۱۳۹۲). بررسی ویژگی های روانسنجی مقیاس نگرش به ازدواج. نشریه روان پرستاری، ۱، ۳۵-۴۷.
۳۳. هوبلی پور، سارا، شفیق آبادی، عبدالله، و سودانی، منصور (۱۳۹۱). بررسی اثربخشی آموزش پیش از ازدواج بر انتظارات و نگرش های زناشویی فرزندان دختر در آستانه ازدواج کارکنان ملی مناطق نفت خیز جنوب. نشریه یافته های نو در روان شناسی، ۳(۷)، ۸۱-۹۳.

34. Adhikari, P. (2017). Attitudes of Present Generation towards Marriage: A Survey of Marriageable College Students. *Tribhuvan University Journal*, 1- 2(31), 167-184.
35. Akbas, M., Surucu, S. G., Koroglua, C. O., & Ozturk, M. (2019). Factors affecting marriage attitudes of university students. *Cukurova Medical Journal*, 1(44), 93-100.
36. Alqashan, H., & Alkandari, H. (2010). Attitudes of Kuwaiti young adults toward marriage and divorce. *Advances in Social Work*, 1(11), 33-47.
37. Charles, N., Davies, C., & Harris, C. C. (2008). *Families in transition: social change, family formation and kin relationships*. Policy Press.
38. Cui, M., & Fincham, F. D. (2010). The differential effects of parental divorce and

- marital conflict on young adult romantic relationships. *Personal relationships*, 17(3), 331-343.
39. De Coninck, D., Van Doren, S., & Matthijs, K. (2021). Attitudes of Young Adults Toward Marriage and Divorce, 2002–2018. *Journal of Divorce & Remarriage*, 1(62), 66- 82.
 40. Hippen, K. A. (2016). *Attitudes toward marriage and long-term relationships across emerging adulthood*. Master Thesis. Georgia State University.
 41. Huang, Y. C., & Lin, S. H. (2014). Attitudes of Taiwanese college students toward marriage: A comparative study of different family types and gender. *Journal of Comparative Family Studies*, 3(45), 425 -438.
 42. Hymowitz, K., Carroll, J. S., Wilcox, W. B., & Kaye, K. (2013). *Knot yet: The benefits and costs of delayed marriage in America*. Charlottesville, VA: National Marriage Project.
 43. Kim, H. S., & Jung, Y. M. (2015). Self-differentiation, family functioning, life satisfaction and attitudes towards marriage among South Korean university students. *Indian Journal of Science and Technology*, 19(8), 1-8.
 44. Lazinski, M. J. (2016). *Young peoples' feelings about and attitudes towards marriage: the influence of attachment style and early family functioning*. Doctoral dissertation.
 45. Li, X. (2014). What influences the attitudes of people in the United States toward marriage? A critical review. *The Family Journal*, 3(22), 292- 297.
 46. Moore, A. C. (2020). *An Examination of Emerging Counselors' and Therapists' Attitudes Toward Marriage*. Doctoral dissertation. University of the Walden.
 47. Shimkowski, J. R., Punyanunt-Carter, N., Colwell, M. J., & Norman, M. S. (2018). Perceptions of divorce, closeness, marital attitudes, romantic beliefs, and religiosity among emergent adults from divorced and nondivorced families. *Journal of Divorce & Remarriage*, 3(59), 222- 236.
 48. Treas, J., Lui, J., & Gubernskaya, Z. (2014). Attitudes on marriage and new relationships: Cross-national evidence on the deinstitutionalization of marriage. *Demographic research*, 30, 1495- 1526.
 49. Willoughby, B. J., Carroll, J. S., Vitas, J. M., & Hill, L. M. (2012). "When are you getting married?" The intergenerational transmission of attitudes regarding marital timing and marital importance. *Journal of Family Issues*, 2(33), 223- 245.
 50. Willoughby, B. J., & Dworkin, J. (2009). The relationships between emerging adults' expressed desire to marry and frequency of participation in risk-taking behaviors. *Youth & Society*, 3(40), 426-450.
 51. Wolchik, S., Christopher, C., Tein, J. Y., Rhodes, C. A., & Sandler, I. N. (2019). Long-term effects of a parenting preventive intervention on young adults' attitudes toward divorce and marriage. *Journal of divorce & remarriage*, 4(60), 283-300.